

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

طیار یزدان پناه لموکی
۲۷ مارچ ۲۰۲۰



طیار یزدان پناه لموکی

کرونا ، بازی خطرناک امپراتور و ارتجاع تبهکار، در رویارویی با جنبش های داد خواهانه مردم خاورمیانه



گفتنی ست پس از دستیابی قدرت سیاسی توسط نو محافظه کاران بریتانیا به رهبری بوریس جانسون ، واکنش هائی بر انگیخته شد که در صورت پیروزی ترمپ در انتخابات ریاست جمهوری آینده در امریکا ، در اتحاد با جانسون نخست وزیر بریتانیا ، به عنوان دو نماینده اجرائی جریان نو محافظه کاران امریکا وانگلیس ، تحول تازه ای را در جهان رقم خواهد خورد که خاورمیانه بزرگ، از جمله کانون های محوری این دگرگونی ، خواهد بود بنا براین پرداختن به گزارش تحلیلی "مورنینگ استار" در رابطه با به کار گیری سیاست "دوران باز سازی محافظه کارانه " باید شاهد دسته بندی تازه ای در مواضع رهبران محافظه کار اسلام سیاسی (اشرافی) منطقه بود ، که ظاهراً همسو با رقابت های بین المللی این دو جریان ، سه جبهه تازه ای را به احتمالی شکل خواهند داد ۱- وابستگان طرح قدیم (تاچر – ریگان)

۲- پیوستگان " به دوران نو سازی محافظه کارانه " (ترمپ - جانسون) ۳- ملازمه ای از هر دو که بسته به توازن نیرو و ویژگی های خاص منطقه ئی به لحاظ تنوع فرهنگی - اجتماعی ... ، ظاهراً بن مایه ای شناور خواهد داشت . پوشیده نیست علل شکست حزب کارگربریتانیا (به رهبری جرمی کوربین) به نگاه دو تحلیلگر مورد اشاره روزنامه مورنینگ استار (جرالد سیب ، نویسنده وال استریت ژورنال و استیفن فیدلر ، نویسنده بخش مالی رویترز و فایننشال تایمز) تبیین تازه ای ست برای جلب نظر رأی دهندگان خاموش که برای خود سهم و جایگاهی در پیروزی قدرت های حاکم نمی دیدند، که در این دوره (از زمان روی کار آمدن ترمپ) به عنوان نقطه عطف ، عمیقاً در رأس توجه نخبگان سیاسی دو اردوگاه حزب حاکم در امریکا قرار گرفته اند ، در گزارش مزبور که احزاب تحول طلب خاورمیانه، آن را باز تاب داده اند ، نام بعضی کشور های همسو با این جریان (که دارندگان سیاست نو محافظه کاری یا شرکای قدرت سیاسی اند) ، را باید به آن افزود که در اروپا از جمله در هنگری ، ایتالیا ، پولند . و حتی در بیرون از اروپا در هند ، ناندرا مودی ، در جاپان ، شینزو آبه . در برزیل ژائیر بولسو نارو ، در چیلی سباستین پینی یرا) " که بسیاری از ویژگی های این محافظه کاری جدید را دارا می باشند . " و تحت نام رویکردی نو، گسترده شده اند که حاکی از این است نظریه مزبور در سال های اخیر در حد قابل توجهی جانبداران خود را یافته است موضوعی که بیش از پیش بیانگر فصلی ست که از لحاظ زمانی ، پیدائی آنان را در دستیابی به قدرت سیاسی در آسیا ، اروپا و امریکای لاتین ، وارد مرحله تازه تاریخی کرده است . بنابراین ، هدف از بیان این سخن ، تأکید به این نکته مهم است که احزاب ، سازمان ها و گروه های مختلف سیاسی تحول طلب ، ملی و میهنی در خاورمیانه بزرگ که در خط مقدم " جنبش های نوین اجتماعی " ، به ویژه در یک دهه اخیر ، علیه امپراتور ، در کنار و میان مردم حضوری فعال دارند ، بسیار پر اهمیت است که بر حسب شرایط موجود ، به لحاظ تدوین تئوری ، با تبیین و تحلیل به روز شده چگونه در تجهیز خود خواهند کوشید .

گزارش مزبور ، برای نشان دادن ویژگی ها و مغایرت های سیاسی محافظه کارانه جدید در تطبیق با دوره جهانی سازی (گلوبالیزاسیون) یا سیاست های محافظه کارانه رونالد ریگان - مارگارت تاچر مربوط به چهل سال پیش، با این تیتر آغاز می شود ، " راست گرایان در امریکا و بریتانیا و کشورهای دیگر: خشم و نارضایتی محرومان را خوب درک کرده اند ... " که . " انتخابات بریتانیا نشانگر بازسازی [همین سیاست] ست " و در ادامه می افزایند : " دوران تازه ای آغاز شده است که رأی دهندگان تازه ای را وارد میدان کرده است و دسته بندی ها و نگرش ها و سیاست های تازه ای را پیش کشیده اند . " گزارش مزبور در ادامه انگشت رو نکته حساسی می گذارد که عامل به میدان آوردن " رأی دهندگان تازه [نفس] است " با این نمایه که : ۱- جریان های سیاسی در غرب اکنون به طور قابل ملاحظه ای عوام گرایانه تر و ملی گرایانه تر شده است ، تا حدی که رأی دهندگان در حوزه های انتخاباتی کارگرنشین را به خود جذب کرده اند ۲- خویشن داری مالی ، که زمانی از شعارهای اصلی محافظه کاری بود ، دیگر کم تر اهمیت دارد ۳- بازنویسی قوانین حاکم بر اقتصاد جهانی ، اهمیت بیش تری یافته است " مقاله ، نهضت راست گرایانه را چنین تصویر می کند که در حال چرخش به سوی ملی گرایی حمایت گرایانه و تنگ نظرانه و در خود است ۴- که به جهانی سازی پشت می کند ۵- مقید به ریاضت مالی و جزم گرایی بازار نیست ۶- با سردادن شعارهایی در مورد تغییر دستگاه حاکم موجود و تحقیر قشر ممتاز لیبرال ، خود را به طبقه کارگر نزدیک می کند . مثل تاچر و ریگان که در دهه های گذشته سردمداران جریانی تازه بودند ، امروز دونالد ترمپ و بوریس جانسون سردمداران برجسته این محافظه کاری نوع جدید هستند ۷- امثال ترمپ و جانسون فرصت طلبانه با احساسات رأی دهندگان قشر میانی خرده بورژوا و طبقه کارگر بازی می کنند که زندگی شان در زیر تعدیل ساختار جهانی طبقه حاکم و اوج آن در فروپاشی ۲۰۰۷ - ۲۰۰۹ تباه شده است . " امری که در خاورمیانه ، به طور مضاعف مصداق دارد . ۷- هر دو (ترمپ و جانسون) روی خشم و

انزجار یقه آبی ها پایه گذاری کرده اند [یقه آبی ها نمادکارگران مشاغل "یدی" و با مزد ساعتی که در حاشیه شهرهای کوچک و مناطق روستایی امریکازندگی می کنند و در حد خود جمعیت بزرگی را تشکیل می دهند ، پیش از ترمپ به طور معمول میزان مشارکت سیاسی آنان بسیارپائین بود ، این بخش از جامعه امریکا ، چند دهه ای بود که در عرصه سیاسی امریکا صدائی نداشتند . منتها پس از روی کارآمدن ترمپ که با پشتیبانی آنان امکان پذیر شد تحولی در زندگی آنان به وقوع پیوست چنان که در **دستاوردهای دهگانه** که از ترمپ در سال ۲۰۱۸ " رئال پالیتیک " منتشر کرده است نشان می دهد که : " افزایش دستمزد کارکنان و کارگران طبقه متوسط امریکا در مجموع به طور میانگین در سال ۲۰۱۸ سه در صد رشد داشت و برای نخستین بار طی دهه ها مزد کارگران یقه آبی از کارگران یقه سفید ها پیشی گرفت " /voa 11 دی ۹۷ ، " [دانسته است] یقه سفید ها نیز نماد قشر مدیران ، کارمندان دفتری ، فن سالاران ، دانشگاهیان ، اهالی رسانه ها ؛ هنرمندان ، ورزشکاران و در یک کلام طبقه متوسط شهرهای بزرگ امریکا هستند به طور کلی طبقه متوسط از قشر ممتاز مالی و سیاسی محسوب می شوند [گفتنی ست طبقه ای که ترمپ به آن توجه کرد: " طبقه کارگری هستند که خشمی جهنمی دارند . اینان کسانی هستند که به طور عمده وارد کالج نمی شوند و در بخش هائی از کشور زندگی می کنند که دچار کینه نژدای هستند ، احساس می کنند صدائی ، آن ها را نمایندگی نمی کند ، از دیگر ویژگی آنان خواهان برخورد با بیگانه ها از جمله مسلمانان و مهاجران غیر قانونی هستند در واقع اینان سفید پوستانی هستند که تا پیش از ترمپ از در آمد بسیار پائینی برخوردار بودند . بنا براین برایشان مهم نبود که جریان های اقتصادی جهانی چگونه دارند زندگی و معیشت زحمتکششان و کارگران را در میهن نابود می کنند . مورد دیگر در بریتانیا ست که بنا به نوشته این دو نویسنده " برکزیت نماد نارضایتی ها در بریتانیا بود همان طور که در امریکا روابط تجاری با چین و مکزیک نماد هائی بودند که ترمپ از آن بهره گرفت که در مورد چین جنگ تعرفه ها نمودی جهانی یافته بنا به تحلیل " مخالفان سیاست امریکا ، اگر چه ممکن است محدودیت تجاری در حمایت از صنایع داخلی کشور از لحاظ حفظ و ایجاد اشتغال در کوتاه مدت موثر باشد و با جلب نظر طبقه کارگر یک دستاورد سیاسی محسوب [گردد . منتها]با توجه به ابعاد بزرگ اقتصاد امریکا و چین تاثیر نا مطلوب محدودیت تجاری بر شرایط اقتصادی جهانی در بلند مدت به زیان همگان تمام خواهد شد (سایت صدای چین ۹۹/۱/۴) صرف نظر از نگاه مخالفان سیاست ترمپ ، چه در بخش تعرفه ها جهت دفاع از صنایع داخلی و چه در بخش افزایش حقوق کارگران ، برخی ازحکومت های ارتجاعی کشور های خاورمیانه در پی فشارجنبش های اجتماعی فزاینده در دور دوم این خیزش اجتماعی که نیروهای تحول طلب (به طور اعم کلمه) در ارتباط با دیگر نیروی های ملی - میهنی ، جهت آگاهانه کردن جنبش های اجتماعی دور دوم "موسوم به بهار عربی "، آن را در دستور کار خود قرار دادند .که به نوعی در یافت سیکنال پذیرش نومحافظه کاران جهانی ست .

۹- نویسندگان مقاله مورد نظر اشاره می کنند که ترمپ و جانسون با دادن قول هائی در زمینه آزادتر کردن مصرف بودجه های عمومی ، در پاسخ مثبت دادن به خشم رای دهندگان طبقه متوسط و طبقه کارگر به خاطر از خود گذشتگی هائی که از زمان فروپاشی مالی ۲۰۰۸ به اجبار به آنها تن داده بودند و سختی های کشیده بودند ، سیاست های پیشنهادی خودرا برای این گروه اجتماعی جذاب تر نمودند بدین خاطر بودجه های بیش تر برای خدمات پزشکی و بهداشتی دولتی ، مدرسه ها ، نظم عمومی و پلیس ، و زیر ساخت ها " در واقع " **پرچم سنتی حزب طبقه کارگر چپ گرا** را [**ازدست شان**] **ربودند** و از آن به نفع خود [مصادره کرد ند] " بی بی سی طی گزارشی در باره ترمپ آورده است : ترمپ با زیر پا گذاشتن یکی از بنیادی ترین اصول محافظه کاری قرن بیستم - یعنی کاهش بدهی و کسری بودجه دولت " کسری بودجه دولت فدرال را به رقمی در حدود هزار میلیارد دلار افزایش داد ، ولی او فقط به این علت می

تواند چنین کاری کند که نرخ های پائین بهره بانکی به او امکان می دهد که وام گرفتن دولت کم هزینه تر باشد همین رسانه در گزارشی دیگر آورده است: "بانک مرکزی امریکا برای مقابله با تبعات اقتصادی و گسترش ویروس کرونا نرخ پایه بهره بانکی را در این کشور نزدیک به صفر رسانده و از یک بسته محرک های اقتصادی به ارزش ۷۰۰ میلیارد دلار خبر داده است... از سوی دیگر، بانک مرکزی امریکا از خریداری اوراق قرضه با هدف تزریق نقدینگی به بازار خبر داده است (بی بی سی ۹۸/۱۲/۲۵) بنا براین انتقاد بایدن و سنדרز از ترمپ نسبت به: نحوه مدیریت بحران شیوع ویروس کرونا که با انتقاد تندی مطرح شده که: "باید یاد بگیریم که به مردم امریکا دروغ نگوئیم و خواستار آن شد ند در باره ماهیت این بحران باید صادق بود یعنی انجام رایگان گسترده و رایگان آزمایش ابتلا به ویروس کرونا در سطح امریکا نسبت به کسب کار های آسیب دیده که همه گیری شد. کوشش بیش تری را مد نظر داشت" / بی بی سی ۹۸ / ۱۲ / ۲۶) که در صورت عملی شدن تمام مشوق های آمده از جانب ترمپ با توجه به کارنامه ای که در سال ۲۰۱۸ از وی منتشر شده، جریان سنדרز- بایدن را احتمالا دچار چالش خواهد کرد یا آگاهانه یک واگذاری قدرتی صورت خواهد گرفت زیرا "همزمان فرمانداران ایالت ها و دولت های محلی در امریکا تمهیدات جدیدی را برای مقابله با گسترش ویروس کرونا [اگر چه دیر هنگام] اعلام کرده اند" (همان ماخذ). آقای جانسون نیز بنا به همین گزارش با استفاده از امتیازی مشابه، سرکیسه را شل کرده است."

تنها پاشنه آشیل ترمپ در این مرحله، اجماع بخش قابل توجهی از جهانیان در باره منشا انتشار ویروس کروناست که شدیداً موقعیت ترمپ و جریان مربوط به نو محافظه کاران را در معرض خطر قرار داده است. که در ذیل به شرح مختصری از آن اشاره خواهد شد

با این همه بنا به تحلیل این دو نویسنده از زمان فروپاشی مالی ۲۰۰۷ - ۲۰۰۹ تاکنون بخشی از نیروهای راست گرا درس های تازه ای از تاریخ آموخته اند و رویکرد سیاسی تازه ای را در پیش گرفتند، بدین صورت که از جهانی سازی، رعایت مصالح بین المللی، ریاضت، و بازار های بی قید و بند روی گردانده اند و دوری می کنند. آنان فرصت طلبانه و حبله گرانه این چرخش سیاست های خود را فراهم کردن آسایش برای خرده بورژوازی و طبقه کارگر آسیب دیده، ناراضی، و خشمگین وانمود می کنند. " این طرح مانند این است که برخی کشورهای منطقه به ظاهر در فکر جهان گشائی اسلامی هستند با توجه به ورشکسته شدن طبقه متوسط و کارگر ممکن است بنا به برخی نشانه ها در تبعیت از سیاست نو محافظه کاران دست به اصلاحات سیاسی - اقتصادی تازه ای بزنند یعنی به گروه محافظه کاران نوین بپیوندند. یا به مواضع سنتی (تاچر - ریگان) پایبندی نشان دهند. بنا براین در صف آرائی نوین، مهم خواهد بود که دانسته شود تقابل و یا رو در روئی در هرم قدرت اسلام سیاسی منطقه با سیاست نوین محافظه کاران، نزدیکی هائی رقم خواهد خورد، یا نه؟ تا برای جلوگیری از تلاطم های اجتماعی، ورشکستگی های مالی، رویگردانی مردم از غالب حکومت های کشورهای خاورمیانه، " که مانند بازار شام به هم خورده است " شاید نوعی سازش پنهان شکل بگیرد. بنابراین نیروهای تحول طلب و ملی - میهنی، در تبیین مسایل سیاسی منطقه با این پیچیدگی رو در رویند که چرخش روبه راست گرائی افراطی حکومت های غالب کشور های خاورمیانه با شعارهای پوپولیستی تو خالی در پیوند با فرقه گرائی مذهبی و راه اندازی نیروهای مزدور، که تا کنون دشواری هائی را در بر داشته، به طریقی به سوی حکومت های متعارف به سبک امپراتور خواهند رفت و یا با حمایت از شبه نظامیان منطقه با نوعی تناقض، به راه خود تداوم خواهند داد. در آن صورت برنامه نیروی های تحول طلب و ملی - میهنی چه رویکردی در پیش خواهند گرفت؟ به طور قطع نیازمند موضع گیری نوین با ارائه برنامه ای مدون است، نه برخورد ژورنالی همراه با ناسزا های چاوداری

تردیدی نیست که ماهیت هر دو جریان راست های مسلط در جهان دارای منشا واحد غارتگری ست ، بنا براین جانبداری و یا مخالفت با یکی از دو جریان موجود بیانگر ترقی خواهی باسمت گیری مردمی از جانب غالب حکومت های ارتجاعی منطقه به حساب نمی آید . بلکه باید نشان داد که هر دو جریان راست جهانی دارای دو زبان سلطه گرایانه هستند که ترجمان روشنگرانه هر یک از دو زبان به صورت تحلیلی با نیرو های ترقی خواه و مستقل مردمی است به هر ترتیب ، گزارش در ادامه می افزاید : البته هنوز محافظه کارانی هم هستند که همچنین به بنیاد گرایی بازار و رویکرد جهانی ریگان – تاچر چسبیده اند با عنوان هائی مثل **جهانی سازی و نولیبرالیسم** نامیده می شوند . ولی روشن است که محافظه کاری نوع تازه ای در حال اوج گیری ست .

گزارش ، بخش نقش بیگانه هراسی ، نژاد گرایی و تحریک احساسات ضد مهاجرت را برجسته کرده . و در استدلال خود بر آنند که " در همه پرسی برگزیت در سال ۲۰۱۶ ، ۴۰ درصد رای دهندگان بر این عقیده بودند که مهاجرت مهم ترین مساله رای دهندگان بوده است ، ولی در آستانه انتخابات اخیر که منجر به پیروزی جانسون شد ، فقط ۱۰ درصد رای دهندگان هنوز مهاجرت را مساله اصلی می دانستند .

گفتنی ست ، دولت بریتانیا در بیانیه ای ، تازه ترین سیاست خود را در باره مهاجرت اعلام کرد : " دولت بریتانیا گفته است اقتصاد این کشور پس از پایان دوران آزادی حرکت در پایان سال ۲۰۲۰ ، از اتکا به آن چه نیروی ارزان کار در اروپا خوانده می شود فاصله خواهد گرفت ... براساس این طرح ، صدور ویزا برای کارگران پناه جو با تخصص بالاتر آسان تر خواهد بود [بنا براین] ویزا در اختیار کارگران پناه جو ی غیر متخصص قرار نخواهد گرفت ... طبق این طرح کارگران خارجی باید انگلیسی صحبت کنند و پیشنهاد کار تخصصی را از سوی " حامی تأیید شده " داشته باشند ... حقوق پایه کارگران ماهر که خواهان کار در بریتانیا هستند ، از ۳۰ هزار پوند به ۲۵ هزار پوند کاهش یافته است ... حقوق پایه برای مشاغلی که دارای " کمبود خاص " هستند ، از جمله پرستاری ، مهندسی عمران ، روانشناسی و رقص باله کلاسیک به حد اقل ۲۰۴۸۰ پوند خواهد رسید . " (بی بی سی ۹۸/۱۱/۳۰) در واقع چهره واقعی نسل نو محافظه کاران جدید ، به رغم شعار های سوسیال دمکراسی که به صورت اجماع به جای لیبرالیسم سیاسی جا خوش کرده در این نکات ظریف آشکار می شود . و به تبعیت از آن غالب حکومت های ارتجاعی منطقه برای جلب و جذب سرمایه خارجی از جمله به ارزان سازی بیشتر نیروی کار و مزد شناور به پادوئی روی آوردند

شایسته اشاره است گزارش مزبور در بخش دیگر به دمکرات های دستگاہ حاکم امریکا (دموکرات های شرکتی) می پردازد که بر این نظرند در انتخابات آینده ترمپ شکست خواهد خورد زیرا فقط قول های تو خالی می دهند و راه حل هایشان دروغین و قلبی ست . " این که دمکرات ها فکر کنند با شکست ترمپ روی آوری مردم به حزب دمکرات ها خواهد انجامید و خط ریگان – تاچر که بن پایه سیاستش در وهله نخست سر سیرنگیش به شرکت های عظیم ، و به اقتصاد قطره چکانی از بالا به پایین و به ریاضت مالی ، و دولت رفاه از درون تهی شده روی می آورند و با این اعتقاد راسخ که بازار حاکم نهائی در همه تصمیم گیری ها اقتصادی باشد ، سخت در اشتباه اند . مدلی که برخی حکومت های خاورمیانه با تشکیل دو گروه حزبی محافظه کار و رفرمیست ها اقدام کردند که در نهایت مردم حاشیه نشین میلیونی در پی شناخت فساد مالی گسترده ، فقر ، بیکاری ، پولشویی مافیای اقتصادی و سرکوب خونین جنبش های داد خواهانه مردمی از جانب هر دو جریان ، به طور قهر آمیز از آنان روی گردانند .

و اما در مورد کرونا ، شایسته اشاره است که چه یک ویروس طبیعی باشد و چه یک جنگ بیولوژیک (یا به قول سایت صدای چین در پی اتهام زنی امریکا که این ویروس چینی (ترمپ) و ویروس " ووهان " (پمپئو) با نهایت صراحت به آن پرداخته و اشاره کرده اند که: " علت دیگری که سیاست بازان امریکائی با تمام نیرو در حال تلاش برای انگ

زدن به چین هستند ، پنهان کردن منشاء واقعی این ویروس است . شواهد بسیاری دال بر آن است که **منشا ویروس** **کرونا**ی جدید به احتمال زیاد خود امریکاست نه چین " (سایت صدای چین ۹۸/۱۲/۲۷) دولت ترمپ در پی اتهام زنی به کشور چین به این که این کشور منشا نخست ویروس کروناست با دو جریان جدی جهانی رو برو شد نخست آن که متهم است منشا ویروس کرونا خود امریکاست نه چین در این باره نخست وزیر استرالیا، اسکات موریسون با شرح گزارشی که در تیترا آن از طرف وی آمده است به این که : امریکا بزرگترین منشا ابتلای کرونا در استرالیا است ، و بعد به شرح چگونگی ماجرای فراگیر شدن این ویروس می پردازد : " اول مارچ موارد ابتلا به کرونا در استرالیا تنها اندکی بیش از ۲۰ نفر بود و هر روز چند مورد به آن اضافه می شد . اما به دنبال افزایش سریع موارد ورودی از خارج و مستقر شدن این افراد در مجتمع های مسکونی ، از ۱۸ مارچ به این طرف روزانه بیش از صد و حتی صدها مورد جدید به بیماری کوید ۱۹ این کشور اضافه شد . تا ساعت دو بعد از ظهر ۲۱ مارچ تعداد مبتلایان قطعی در استرالیا به ۱۰۷۳ مورد رسید . " ایشان در بامداد ۲۰ مارچ به رادیو ۲ جی بی گفت ، در موارد ابتلای قطعی به کرونا ویروس در استرالیا ، حدود ۸۰ درصد از خارج وارد کشور شده اند و یا با چنین افرادی در تماس بوده اند و بیش تر آنان امریکائی هستند . وی خاطر نشان کرد که از نظر او هیچ شاهدهی دال بر این که یک کشور خاص به صورت عمدی عامل این کار باشد در دست نیست (۹۹/۱/۳ / سایت چین) البته "مایک ریان" مسؤول پرژه های اضطراری سازمان بهداشت جهانی نسبت به سخنان دونالد ترمپ مبنی بر این که کوید ۱۹ را ویروس چینی خواند ، واکنش نشان داد و تاکید کرد ما باید با احتیاط لب به سخن بگشائیم و از مرتبط ساختن ویروس با شخص پرهیز کنیم . مطمئن هرکه ویروس را به یک قوم و نژاد مربوط سازد ، پشیمان خواهد شد ، شیوع گسترده آنفلوآنزای H1N1 در سال ۲۰۰۹ از امریکای شمالی آغاز شد . اما شیوع این بیماری را " آنفلوآنزای امریکا شمالی " خواندیم . " (۲۸ اسفند ۱۸ مارچ ، مقر سازمان ، ژنو) . چالش های به وجود آمده از جانب ترمپ با ادعای کرونا چینی و پمپئو به ویرس ووهان حتی از جانب آنتونی فائوچی رئیس پژوهشگاه ملی آلرژي و بیماری های عفونی امریکا و کارشناس کاخ سفید به عنوان یک اتهام بی اساس تلقی شد و سخنان وی را با واقعیت سازگار ندانست (۹۹/۱/۵) آن چه در بریتانیا در این باره مطرح است قابل توجه ست . بی بی سی طی گزارشی در باره تعطیلی مدارس و میخانه ... در بریتانیا به این نکته اشاره دارد که : ده روز پیش ، بیش از ۲۰۰ دانشمند و پژوهشگر در دانشگاه های بریتانیا نامه ای سرگشاده نوشتند و از رویکرد عمومی دولت بوریس جانسون در برخورد با همه گیری کرونا انتقاد کردند . منتها مشاور ارشد دولت ، پاتریک والاس در مصاحبه ای با رادیو بی بی سی گفت : " هدف ما این است که **منحنی جمعیت مبتلا را به آرامی در طول زمان بکشیم** و نقطه اوج آن را پائین بیاوریم نه این که به کلی آن را متوقف کنیم . " بی بی سی در واکنش نسبت به چنین نظری گفت : اما مشکل این جا است که ویروس جدید کرونا آبله مرغان نیست . شدیداً واگیر دار و مرگبار است و رویکرد ایمنی انبوه به آن مرگ انبوه است . " (بی بی سی ۹۹/۱/۲) سایت صدای چین گزارشی دارد از فعالیت ۲۰۰ آزمایشگاه بیولوژیک امریکا در جهان که بخشی از آن در اطراف ایران است . در این گزارش به نقل از ایگور نیکولین از جمله دانشمند و زیست شناس روسیه آورده است که ویروس کرونا ، سلاح بیولوژیک امریکاست که از آن برای کنار زدن دشمنان خود ... استفاده می کند او می گوید در اطراف مرز های چین ۲۵ آزمایشگاه بیولوژیک امریکائی فعال است . در قزاقستان ، قرقیزستان ، لائوس ، ویتنام ، تایوان ، کره جنوبی ، فیلیپین ، تایلند و مالزی و حتی در افغانستان و پاکستان ، در همه کشورهای اطراف چین ، آزمایشگاه های امریکائی وجود دارد . امریکا برای جلوگیری از وقوع فجایع در کشورشان این آزمایشگاه ها را به خارج از خاک امریکا انتقال دادند . ما می دانیم که اتفاقاتی مانند ویروس سیاه زخم در سال ۲۰۰۱ از پژوهشگاه بیماری های عفونی ارتش امریکا در واشنگتن شیوع پیدا کرد . در جدید ترین

خبر منتشر شده در این زمینه وزارت دفاع روسیه افشا کرد " پس از بررسی و تحلیل پرونده های مربوط به فعالیت یک تیم مخصوص در زمینه ساخت سلاح بیولوژیک ، مشخص شد که امریکا با هدف تهیه انواع ویروس برای کشتن انسان ها و شیوع انواع بیماری ، آزمایشگاه هایی را برای تولید سلاح بیولوژیک در کشور " گرجستان " تاسیس و فعال کرده است ... امریکا چندین نمونه گیری از شهروندان روس را در ۳۰۰ آزمایشگاه جمع آوری کرده است تا از آن ها برای ساخت بیولوژیک در نزدیک مرز روسیه استفاده کند ... در بخش دیگر این گزارش اشاره به اسناد ویکی لیکس دارد که فرضیه دستکاری شده کوید - ۱۹ (کرونا) در آزمایشگاه های بیولوژیک و حمله بیولوژیک امریکا به وسیله این ویروس به کشورهای رقیب را به شدت تقویت می بخشد ... " در ادامه آمده است : " وزارت امور خارجه چین روز دوشنبه ۱۶ مارچ اعلام کرد ، دلایلی وجود دارد که ثابت می کند ویروس کرونا از سوی دانشمندان امریکائی در سال ۲۰۱۵ تولید و شیوع پیدا کرده است ... " گفتنی ست " سابقه ایالات متحده در به کارگیری حملات بیولوژیک در امریکا یک برنامه پژوهش و توسعه تسلیحات بیولوژیکی تحت مدیریت یک سازمان غیر نظامی در سال ۱۹۴۲ به دستور فرانکلین روزولت رئیس جمهور وقت در کمپ دتريک مريلند شروع شد و این شیوه جنگ تا امروز علیه کشورهای که منافع این کشورها را به خطر می اندازند در دستور کار قرار گرفت (عامل بیماری سیاه زخم ، تب خرگوشی ، تب مالت ، ویروس ... اسب و نزولائی ، عامل بیماری بوتولسم ، ویروس ابولا) ... البته این جدا از حمله شیمیائی به هیروشیما و ناکازاکی ست . " (۹۹/۱/۵) که شدیداً افکار عمومی جهان را در گیر این مساله کرده که امپراتوری سرمایه داری ذاتاً ماهیتی ضد انسانی دارد ، با توجه به اسناد آمده در باره اندیشه سوداگرانه امپراتور ، نخست لازم است به دو گزارش که عینیت بین المللی دارد ، اشاره شود . نخست خود کشور چین است که به محض تشخیص ویروس کرونا در وهان دست به اقدام گسترده زده است ، دبیر کل سازمان ملل روز ۱۹ بهمن (۸ فوریه) گفت : " مشخص است تلاش گسترده چین برای مهار این فاجعه و جلوگیری از انتشار آن به طور وسیع انجام گرفته] است ... وی ضمن هشدار دادن نسبت به بعضی تبلیغات و مواضع منفی علیه پکن گفت : ما باید از بد نام کردن چین بپرهیزیم چرا که می تواند باعث بدبینی میان همه شود . (۹۹/۱/۳ /سایت صدای چین) چین علاوه بر کنترل کامل ویروس کرونا در کشورش ، گروهی از پزشکان چینی را برای مبارزه با کرونا ویروس جدید ، به شهر روم پایتخت ایتالیا فرستاد آنان با یک محموله از کمک های پزشکی برای کمک به کارهای کنترل و جلوگیری از سرایت کرونا ویروس در ایتالیا از شهر شانگهای به روم پرواز کردند که پس از گروه های اعزامی به ایران و عراق سومین گروه پزشکان چینی هستند که به خارج اعزام می شوند ... دبیر کل سازمان جهانی بهداشت در سخنرانی خود در کنفرانس بهداشت در منطقه غرب اقیانوس آرام ، ضمن ارزیابی کامل از تجربه چین در جلوگیری و کنترل کرونا ویروس در حمایت از چین جهت مبارزه با این ویروس تشکر کرد (چین ۹۹/۱/۵)

منتها دولت امریکا در روز ۱۲ مارچ وضعیت اضطراری در قبال ایران را برای یک سال دیگر تمدید کرد در بیانیه ترمپ آمده : رئیس جمهور وقت امریکا (بیل کلینتون) در تاریخ ۱۵ مارچ ۱۹۹۵ (۲۵ سال پیش) به منظور مقابله با تهدید های غیر معمول و فوق العاده علیه منافع ملی ، سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده ایجاد می کنند برای نخستین بار وضعیت اضطراری اعلام کرد [بنا براین] وضعیت اضطراری ملی در باره ایران باید بعد از ۱۵ مارچ سال ۲۰۲۰ نیز ادامه پیدا کند " در توجیه این اقدام که در بیانیه انعکاس یافته به برجام اشاره کرد ه و ایران را به اشاعه موشکی ، فعالیت های مخرب در منطقه و حمایت از گروه های تروریستی متهم کرد " (سایت صدای روسیه ۹۸/۱/۳)

{ با توجه به این برخورد غیر انسانی و تحریم های بی سابقه و بی رحمانه ی اقتصادی و مالی و بانکی دولت شبه فاشیستی و نژاد پرست ترمپ " که موجب وخیم تر شدن زندگی مردم عادی میهن ما می گردد عامل به تعطیلی کشاندن

بسیاری از واحد های تولیدی به دلیل محدودیت های بانکی و ارزی و واردات مواد اولیه می شود که فقر و محرومیت دهها میلیون ایرانی را به همراه خواهد داشت از جمله کمبود جدی دارو و وسایل پزشکی در ایران است " نماینده دائم روسیه در سازمان های بین المللی مستقر در وین از تداوم تحریم های امریکا علیه ایران و ونزوئلا در شرایط شیوع ویروس کرونا انتقاد کرد و گفت: "مقابله با همه گیری ویروس کرونا در جهان همبستگی جهانی را می طلبد. میخائیل اولیانوف نوشت: "چرا ایران و ونزوئلا هم چنان تحت تحریم باقی مانده اند؟ چرا فقط روسیه، چین و کوبا در شرایط دشوار کنونی به ایتالیا کمک می کنند اتحادیه اروپا و امریکا کجا هستند؟" (اسپوتنیک ۴/ فروردین ۱۳۹۹) گفتنی ست رئیس جمهور فرانسه، ماکرون به بستن مرز فرانسه با انگلیس تهدید کرد که چنانچه نحست وزیر بریتانیا تدابیر قاطع تری برای محدود کردن شیوع کرونا و ویروس در نظر نگیرد مرز کشورش با بریتانیا را می بندد. "تاثیر این پیام به نقل از یک مقام کاخ الیزه چنین آمده است: ما مجبور بودیم که او را علنا تهدید کنیم تا او تکانی بخورد... " ۹۹/۱/۳ سایت صدای فرانسه (بنا به گزارش های مستند آمده در فوق رهبری جناح راست افراطی جهان (ترامپ - جانسون) تعمداً و با نقشه از پیش تهیه شده تاکنون متهم اصلی اشاعه ویروس کرونا در جهان هستند تا با ایجاد وحشت و استرس سنگین جهانی بتوانند جنبش های رهائی بخشی که در آسیا، افریقا و امریکای لاتین علیه امپراتوری سرمایه داری به طور فزاینده فراگیر شده را، کند کنند و از نفس بیندازند. غالب حکومت های فاسد و تبهکار منطقه با وضعیت پیش آمده با تبعیت از نو محافظه کاران جدید، چندان بی میل نیستند از فرصت پیش آمده یک نفسی تازه کنند. آنچه در جامعه خاورمیانه علیه کرونا پا به میدان گذاشته شده، به طور غالب خود مردم هستند که در راس آنان پزشکان، پرستاران، بهیاران، و کلیه کارکنان بیمارچنانها، و مراکز درمانی... همراه با کمک های مردمی تماماً در خط مقدم قرار دارند و تا پای جان ایستادگی می کنند، باید گفت حماسه خاصی در خاورمیانه، از خود گذشتگی های مردمی در کلیه مراکز درمانی رقم خورده است

با توجه به مسائل مطرح شده از شیوه های سیاه و کثیفی که جناح راست شبه فاشیست جهانی علیه کشتار علنی مردم برای کسب و حفظ ثروت تدارک دیده، نیروهای تحوال طلب (به طور عام کلمه) و ملی - میهنی چاره ای جز وحدت آگاهانه در داشتن برنامه ای مشترک ندارند، قابل تاکید است، وحدتی که شرایط اجتماعی به ناگزیر آنان را کنار هم متحد کند، بنا به تجربه انقلاب های صد سال اخیر خاورمیانه، محکوم به شکست است

ضمن آن که ویروس کرونا مواضع سودگرانه نومحافظه کاران جهانی را به طور غالب، پرده برداری کرد در عین حال شکاف تازه جهانی را نیز فراهم آورد. در واقع ویروس کرونا عامل شکل گیری دو جریان جهانی شد. امریکا و متحدینش که نه به مردم خود، و نه به دیگر ملل جهان، به رغم تبلیغات کرکننده ابرها رسانه ها پیش، اعتنائی دارند بلکه بنا به گزارش های آمده در قتل و عام آنان برای بقای خود دریغ نمی ورزند در گزارش خبرگزاری چین آمده است: "دهم فوریه در حالی که امریکا تلاش می کرد شیوع کرونا را در کشور خود کم رنگ جلوه دهد، "چند مقام کمیته اطلاعات مجلس سنا سهام میلیون دلاری خود را فروختند؟ مگر آنان از چیزی با خیر بودند سهام خود را فروختند و در سوی دیگر واقعیت را از مردم پنهان کردند؟... طبق گزارش واشینگتن پست، در روز ۲۰ مارچ، مقامات اطلاعاتی امریکا در ماه ژانویه سال جاری چندین بار هشدار دادند که ویروس کرونا جدید احتمالاً سبب یک بحران جهانی می شود و تاکید بر ضرورت اقدام از سوی دولت کردند اما دولت امریکا تا ۱۳ مارچ در کشور وضعیت اضطراری اعلام نکرد (سایت چین ۹۹/۱/۵) این است بخشی از چهره واقعی دو جریان سیاسی - اقتصادی حاکم بر امریکا که با شعار دمکراسی خواهی و حقوق بشری پس از جنگ سرد غالب نقاط حساس جهان را به ویژه در خاورمیانه با بکارگیری انواع سلاح شیمیایی، بیولوژی و بمباران های هوایی توسط جنگنده های شکاری، برای تحمیل حکومت های ارتجاعی

و سرکوب حکومت های ملی - دموکراتیک تحت شعار حقوق بشری و دموکراسی خواهی کشتار سنگینی را برپا داشته اند هیچ کشوری پس از تصرف امپراتور در خاورمیانه ، نه آرامشی به خود دیده و نه آسایشی دارند . **مشتی چپ های برگشتی و روشنفکران طوقدار لقمه چین** ، با همراهی مستقیم و یا غیر مستقیم در کنار غالب حکومت های ارتجاعی منطقه ، آتش بیار معرکه هستند تا امپراتور در چپاول و غارت اموال ملی ملت ها منطقه با هر سلاحی میداننداری کند با این همه دونه که را نمی توان در مورد خاور میانه که مرکز جنبش های نوین اجتماعی از سال ۲۰۱۰ تاکنون است پنهان داشت ، نخست : تحرک و تلاطم سخت و سنگین انسان های فرو دست علیه مافیای اقتصادی که اکنون از وحشت کرونا ، ناگزیر به حبس خانگی تن دادند ، که اگر به اوجی برسند که کرونا را جنگ کثیف و سیاه امپراتور علیه فروکوفتن آنان برنامه ریزی شده ببینند چاره ای جز شکست قفس حبس خانگی کرونائی نخواهند داشت بی درنگ از قرنطینه خواهند گریخت که بنا به تکانه های خفیف پراکنده موجود ، وقوع آن دور از ذهن نیست ۲- تغییر ارزش در باورمندی های خرافی توده مردم خاورمیانه است ، شاید ضایعات ناشی از فراگیر شدن ویروس کرونا ، بسیار تکان دهنده باشد ، منتها خیزش های اجتماعی وقتی سر بر آورد ، فروریزی باورمندی های کور کورانه خرافی که پوششی بوده که از جانب محتال های تاریک اندیش برای سوار شدن بر ذهن آنان طی سده ها برنامه ریزی شده و به عنوان ارثیه ای ماندگار ، از اسلام سیاسی یا اشرافی به ویژه از دوره امویان و عباسیان در پاسداشت آن به رنگ زمان کوشیده بودند ، فروریخته و به انفجاری بنیان کن بدل خواهد شد بخصوص زمانی که نیایشگاه ها که **نماد دارالشفاهستند** با بی اثر بودن اوراد و ادعیه تبلیغی نقش معکوس به خود بگیرند و به **دارالفنا** تبدیل گردند . تزلزل در این باورمندی نکته نیست که بتوان از آن به سادگی گذر کرد . در واقع ما دو زلزله در شرایط کنونی در خاورمیانه باورمند به ادیان کهن ، پیش رو داریم که نباید از نگاه تیز بین نیروهای تحول طلب و ملی - میهنی دور بماند .